



تلاش ناکام برای دموکراسی

در باره انتخابات ریاست جمهوری اخیر تونس
و پیروزی دوباره فیس سعید



گزارش
اقتصاد
۱۰-۱۱

آغاز جهش دلار؟

ارزیابی افزایش نرخ ارز نیمایی و آزاد
در گفت‌وگو با آلبرت بغزبان و کمال سیدعلی



در انتظار شهريار

گمانه‌زنی درباره احتمال بازگشت علی دایی به فوتبال
بعد از بازگشت کریم باقری به پرسپولیس



سفره ایرانی در سیمای مهرجویی

نوشته‌هایی از سید رضا صانمی و فرزاد نعمتی درباره مصائب کارگردان مولف

سرمقاله

گفت‌وگو با نمایندگان درباره شکاف در فراکسیون اصولگرایان مجلس

جدایی رادیکال‌ها از قالیباف

احمد آریایی نژاد
نماینده ملایر

قاسم روانبخش
نماینده قم و عضو جبهه یابنداری

سید سلیمان ذاکر
نماینده ارومیه

عیدالوحید فیاضی
نماینده نور و محمودآباد

دلیلی بر جدایی نمی بینم

وقتی احساس شود قرار است چند فراکسیون با اشتقاق به وجود آید و این سوال پیش می‌آید که چرا نفعی از این فراکسیون برای حوزه انتخابیه‌های مختلف صادر نمی‌شود، پس برخی از نمایندگان مجبورند فکر دیگری کرده و به فراکسیون دیگری روی آورند که به آن نفع مردمی برسند.

فراکسیون انقلاب همدل است

فراکسیون انقلاب اسلامی سر جای خود می‌ماند و مجموعه اصولگرایان در داخل آن می‌کنند و فراکسیونی جدایی از آن نمی‌بینم. البته هر روز یکی از نمایندگان برای تشکیل فراکسیون جدید امضا جمع می‌کند. اما فراکسیون‌ها باید در هیئت‌رئیس مجلس ثبت شود تا قانونی شود.

تشکیل ۵ فراکسیون در مجلس

فراکسیون‌های دیگری در کنار فراکسیون انقلاب هم تشکیل می‌شود. در حقیقت خواسته‌هایی که دولت نمی‌تواند به فراکسیون انقلاب اسلامی منتقل کند راه این فراکسیون‌ها منتقل می‌کند. به جهت قانونی معنی برای وجود چند فراکسیون قوی در مجلس تعیین نکرده است.

فراکسیون وفاق ملی در راه است

ممکن است اعضای فراکسیون انقلاب و مستقلین عضو فراکسیون وفاق ملی هم بشوند اما شناسنامه آنها فراکسیون اقلیت یا اکثریت باقی بماند. اما اگر فراکسیون «وفاق ملی» به فراکسیون اکثریت تبدیل شود جایگزین فراکسیون انقلاب اسلامی می‌شود.



دانشگاه پس از خالص‌سازان

گزارش
دانشگاه
۲-۳

بررسی مراسم آغاز سال تحصیلی، سخنان رئیس جمهور و انتظارات دانشگاهیان

در گفت‌وگو با: باقر تاج‌الدین / جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

صالح نقره‌کار / وکیل فعالان دانشجویی، امیرحسین سید علی / فعال سابق دانشجویی



حضور مسعود پزشکیان در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها با اعتراضات برخی اعضای بسیج دانشجویی و دانشجویان منتقد دولت همراه بود که نهایتاً رئیس جمهور خارج از برنامه مراسم به نماینده آنها تریبون داد. عکس‌ها: ایرنا/ فارس / مهر

در روزهای اخیر برخی مطالب منتشر شده در صداوسیما بازتاب‌های گسترده‌ای داشته است. مجریان و مهمانان و تحلیلگران آنجا نکاتی را می‌گویند که به سرعت مورد توجه عموم قرار می‌گیرد و البته تبعات و بازتاب‌های منفی هم داشته است. آخرین مورد آن اعلام نظر یک کارشناس برنامه از اینکه پیچ‌های منفرجه شده در لبنان از سوی یک شرکت ایرانی خریداری و تحویل حزب‌الله شده است. آگاهان به مسائل منطقه خیلی خوب می‌دانند که بازتاب چنین خبری در صداوسیما دولتی ایران نوعی اقرار محسوب می‌شود و در لبنان و نزد شیعیان آنجا چگونه است و چه تبعاتی را در پی دارد؟ حتی اگر مجری برنامه آن را تکذیب کرده باشد، بی‌فایده است. چون معلوم است که مجری بر حسب دستورالعمل آن را تکذیب کرده؛ و الا چه می‌داند که کارشناس درست می‌گوید یا نادرست؟ از سوی دیگر، گزارشی از سوی مؤسسه نظرسنجی ایسپا منتشر شد که نشان می‌داد فقط ۱۲/۵ درصد دانشجویان پیگیری اخبار صداوسیما هستند. نتیجه این پژوهش به معنای دقیق کلمه، شکست کامل این رسانه حداقل از حیث خبر در میان نسل جوان و آینده این جامعه است. این دو خبر چه ربطی به هم دارند؟ خبر اول نشانه‌ای جدی از وجود تبعیض در برابر قانون است. صداوسیما به‌رغم وجود انواع چنین مطالبی در برنامه‌هایش تاکنون نشنیده‌ایم که مورد بازخواست جدی حقوقی قرار گیرد. البته معتقد نیستیم که بازخواست شوند. چون رخدادهای این موارد در حوزه خبر و رسانه عادی است و بایک اصلاحیه یا توضیح مسئله حل می‌شود؛ ولی هنگامی که چنین مطالبی یا حتی بسیار کم‌خطرتر از آنها در یک روزنامه منتشر شود، آنگاه مواجه با اقدامات فوری خواهیم شد. در حالی که می‌دانیم فراگیری این دورسانه مطلقاً شبیه و هم‌اندازه نیستند. در حقیقت، صداوسیما با بودجه و امکانات عمومی کلان و امتیازات حقوقی و غیرحقوقی فراوان و رتبه‌های دسترسی گسترده و ده‌ها هزار کارمند، فاقد اعتبار و در نتیجه اثرگذاری جدی نزد مردم و نخبگان دانشگاهی و آموزشی کشور است؛ به طوری که فقط ۱۲/۵ درصد دانشجویان دانشگاه‌های تحت مدیریت وزارت علوم برای پیگیری خبری به این رسانه مراجعه می‌کنند. توجه کنیم که حتی درصد دانشجویان سهمیه‌ای هم که طبعاً تعلق خاطر به این رسانه دارند؛ چند برابر این رقم اندک است. تا اینجا را هم می‌شود به‌نحو تحمل کرد؛ ولی اینکه رسانه ملی نسبت به بازتاب ناقص این خبر معترض نشود و آن را نشانه سوءنیت دیگران علیه این رسانه بداند و وضعیت خود را طبیعی معرفی کند قابل قبول نیست. زیرا نشان می‌دهد که هیچ تصور درستی از وضعیت و جایگاه این رسانه ندارند. آنان نمی‌دانند که مرجعیت رسانه‌ای و خبری را مدت‌هاست از دست داده‌اند و امنیت خبری کشور را با خطر جدی مواجه کرده‌اند. این وضعیت محصول همان امتیازات و منابع مالی و امکانات بی‌حساب و رفتارهای تبعیض‌آمیزی است که از آن بهره‌مند بودند و هیچ‌گاه مجبور به پاسخگویی جدی به افکار عمومی نبوده‌اند. آنها در یک محیط غیرقانونی پرورش یافته‌اند؛ لذا رشد کافی نکرده‌اند و به محک رقابت نچورده‌اند. به همین دلیل، نه تنها صداوسیما رازده است، بلکه چندین گام به عقب نیز برداشته است. مهمترین ایراد این رسانه این است که خودش را طرف مجادلات و دعواهای داخلی می‌کند و اتفاقاً به این سوگیری هم می‌بالند و آن را با عنوان دفاع از انقلاب و نظام توجیه می‌کنند؛ در حالی که بزرگترین خدمت به انقلاب حفظ بی‌طرفی رسانه‌ای است. چون برای دفاع از آنچه که فکر می‌کنند درست است، مجبور می‌شوند تن به سیاست‌روایت‌محوری دهند؛ ولی روایت‌محوری موجب بی‌اعتباری رسانه و اخبارش می‌شود. چون باید حقیقت را قربانی روایت کرد. امیدوارم که نتایج روشن پژوهشی درباره وضعیت خطیر صداوسیما، دست‌اندرکاران آن را به صرافت‌اندازد و سیاست‌های خود را تغییر دهد.